

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه  
سال ۶، شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۹۷

## قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک‌روز با رویکرد بینامتنی ژرار ژنت

عالیه یوسف‌فام<sup>\*</sup> رضا طاهری<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۳۹۶/۵/۶، پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۶)

### چکیده

بر اساس رویکرد بینامتنیت، هیچ متنی خودبستنده نیست و هر متن در آن واحد، هم بینامتنی از متون پیشین و هم بینامتنی برای متون پسین خواهد بود. در این جستار، به معرفی کتاب مجموعه داستان‌های تودرتوی هزارویک‌روز که بر اساس ادعای پتیس دلکروا ترجمه کتاب مجموعه داستان فارسی از درویش مخلص، به زبان فرانسوی است، پرداخته می‌شود و سپس با رویکرد تراامتنتی (بینامتنیت) ژرار ژنت، روابط بینامتنی این کتاب با قصه‌های عامیانه ایرانی بررسی می‌شود. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. از دریچه ورامتنیت و سرمتنیت و پیرامتنیت، این کتاب در قصه بنیادین، به شیوه روایت تو در توست و چینش قصه‌ها در کنار هم کاملاً از الگوی قصه‌های عامیانه ایرانی بهره می‌برد و تأليف، ترجمه و بازترجمه هزارویک‌روز فرایندی بینامتنی و محصول جامعه زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی است. از دریچه بینامتنیت و بیش‌متنتیت نیز شش قصه در ساختار کلی هزارویک‌روز از گونه رابطه بینامتنی و نقل قول غیرصریح از متن‌های پیش از خود هستند که در روایت و عناصر داستان با قصه‌های عامیانه ایرانی رابطه بیش‌متنتی دارند. دوازده قصه دیگر بر اساس سنت قصه‌گویی، پرداخت و چینش و بسط بن‌مایه‌ها، رابطه بیش‌متنتی با متن قصه‌های عامیانه ایرانی پیش از خود دارند و هرگز

۱. استادیار ادبیات فارسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تهران (نویسنده مسئول).

\* daliehyf@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد تهران مرکزی.

نمی‌توان گفت ریشه و بنیان داستان‌های هزارویک‌روز جعلی، اختزاعی، پرداخته خیال و ریخته قلم دلاکرواست.

**واژه‌های کلیدی:** هزارویک‌روز، ألف النهار، بینامنیت، ترامتنیت.

#### ۱. مقدمه

فرانسو پتیس دلاکروا<sup>۱</sup> در ۱۷۱۰ م نخستین جلد از ۴ جلد کتاب هزارویک‌روز<sup>۲</sup> را شش سال پس از نشر نخستین جلد از هزارویک‌شب<sup>۳</sup> آنوان گالان<sup>۴</sup> به زبان فرانسوی چاپ کرد. دلاکروا در مقدمه کتابش ادعا می‌کند هزارویک‌روز ترجمة مجموعه داستانی فارسی از درویش مخلص است. وی در جوانی، نسخه‌ای از «فکاهی هندی» را - که در کشورهای شرقی ترجمه‌های آن وجود دارد و نسخهٔ ترکی آن فرج بعد از شدت نامیده می‌شود و در کتابخانه سلطنتی فرانسه، نسخه‌ای از آن موجود است - ترجمه کرده و نام آن را هزارویک‌روز نامیده است. پتیس دلاکروا در مقدمه کتابش شرح می‌دهد که درویش مخلص با اعتمادی که به وی داشته، نسخهٔ دستنوشته کتاب را در اختیار او گذاشت و اجازه داده است که از آن رونویسی کند (DelaCroix, 1919: 1-6). محقق، محجوب، رستمی گوران، ۱۳۸۹: ۴۳۱؛ ۱۳۸۳: ۷۰).

شخصیت اصلی این کتاب، شاهزاده فرخناز، دختر سلطان کشمیر است که با دیدن خوابی از مردان بیزار می‌شود و از ازدواج سر باز می‌زند. دایه‌اش می‌کوشد با نقل قصه‌هایی با مضمون وفاداری مردان به زنان، نظر فرخناز را نسبت به مردان تغییر دهد. تمام داستان‌های این کتاب به صورت قصه‌های پیاپی و تو در تو و در راستای هدف اصلی پردازش شده است. شباهت نام کتاب و ساختار داستان‌های تو در تو با قصه بنیادین قصه‌گو و محتوای این کتاب با هزارویک‌شب، متقدان را بر آن داشت که هزارویک‌روز را گرته‌برداری از داستان‌های هزارویک‌شب بدانند. از همین رو محققانی چون هامر پرگشتال<sup>۵</sup>، کالین دو پلانسی<sup>۶</sup>، پل ارنست<sup>۷</sup>، پاول سباک<sup>۸</sup> و پل صباح<sup>۹</sup>... بعد از تحقیقات زیاد، چون هیچ متن فارسی‌ای در آثار و وسائل بهجا مانده از دلاکروا نیافتد و هویت «درویش مخلص» نیز به عنوان شخصیتی تاریخی برای آنان آشکار نشد، داستان‌های هزارویک‌روز پتیس دلاکروا را ترجمه‌ای جعلی دانستند. در

این مقاله، با توجه به همسانی‌ها و وجود مشترک بین این کتاب و داستان‌های عامیانه ایرانی بهویژه هزارویک روز یک شب به این پرسش پاسخ داده می‌شود که هزارویک روز چه رابطه‌ی بینامنی‌ای با قصه‌های عامیانه ایران دارد. این پژوهش با بررسی داستان‌های این کتاب از دریچه ترامنتیت (بینامنیت) ژرار ژنت می‌کوشد به خاستگاه قصه‌ها و ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک روز در پهنه‌های ادب فارسی پردازد و با بررسی و ریشه‌یابی قصه‌ها امکان شناخت اولیه و رغبت بازچاپ و خواندن این داستان‌ها و بازآفرینی آن‌ها را فراهم آورد.

## ۲. پیشینه و روش تحقیق

هزارویک روز با ترجمه محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمد کریم‌خان قاجار از فرانسوی به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۲۷۵ شمسی به نام *الف النهار* در قطع رحلی در ۵۷۵ صفحه به چاپ سنگی رسید و در سال ۱۳۲۹ شمسی توسط نشر امیرکبیر در ۴۰۴ صفحه وزیری منتشر شد. اساس کار در این پژوهش بررسی روابط بینامنی در هزارویک روز ترجمه شده به زبان فارسی است که بر اساس پژوهش کتابخانه‌ای، نوع تحلیل داده‌ها کیفی و روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. پژوهش‌هایی که درباره کتاب هزارویک روز در ایران انجام شده بسیار محدود است یا در حد توصیف و معرفی کتاب است. پیشینه تحقیقات پیش از این بدین شرح است:

### ۱. محمدى‌ها، مریم (۱۳۸۴)، «هزارویک روز»، کتاب ماه هنر، شماره ۸۱ و ۸۲

این مقاله در حد یک صفحه به معرفی کتاب هزارویک روز بستنده کرده است

### ۲. منصوری، کلثوم (۱۳۹۳)، «بررسی وجود روایتی در هزارویک روز»، پژوهش‌های ادبی، سال ۱۱، شماره ۴۶. اخذشده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی عناصر داستانی در «هزارویک روز»، دانشگاه هرمزگان، دانشکده علوم انسانی. این مقاله پس از معرفی کتاب هزارویک روز و طرح نظریات وجود روایتی تودوروف، به بررسی شکل وجود روایتی داستان‌های هزارویک روز می‌پردازد که وجه غالب را اخباری گزارش می‌کند و کاربرد دوم را وجود روایت شرطی.

### ۳. بینامنیت و ژرار ژنت

آثار ادبی بر اساس نظامها، رمزگانها و سنت‌های ایجادشده توسط آثار ادبی پیشین بنا می‌شوند. دیگر نظامها و رمزگان و سنت‌های هنری در شکل‌گیری معنای هر اثر ادبی اهمیت دارند و بدون در نظر گرفتن آن‌ها قادر به دریافت معنی از متن نیستیم. این نشان می‌دهد که متن‌ها<sup>۱۰</sup> - چه ادبی چه غیرادبی - فاقد معنای مستقل و درواقع مت Shankل از همان چیزی هستند که نظریه پردازان امروزی آن را امر بینامنی می‌نامند. درواقع، تأویل یا خوانش متن ردیابی همان نظامها، رمزگان و سنت‌های فرهنگی است که آن‌ها را کشف معنی می‌دانیم. به تعبیری بینامنیت<sup>۱۱</sup> همان نظریه ادبی و فرهنگی مدرن در زبان‌شناسی قرن بیستم است که سرآغازش را در کار زبان‌شناسان معروفی چون فردینان دوسوسور<sup>۱۲</sup> و چارلز سندرس پیرس<sup>۱۳</sup> می‌توان ریشه‌یابی کرد. ژولیا کریستوا<sup>۱۴</sup> با ابداع اصطلاح بینامنیت در ۱۹۶۶ به‌طور رسمی این حوزه از مطالعات نقد ادبی را با مقاله‌ای با عنوان «کلمه، گفت‌وگو، رمان»<sup>۱۵</sup> - که در آن به تشریح آثار باختین می‌پرداخت - راهاندازی کرد. در زبان‌شناسی نیز رگه‌هایی برای ورود به نظریه بینامنیت ایجاد شده بود. از جمله کارهای سوسور پژوهش درباره «رابطه دو یا چند واژه است که بر اساس وجودی مشترک شکل گرفته باشند. این گونه روابط بین واژگانی مورد نظر سوسور بعدها از سوی برخی از محققان بینامنیت دنبال شد» (نامور مطلق، ۱۳۹۴: ۳۲) و فرماليست‌ها به شعر پارودی<sup>۱۶</sup> (شعر به تقلید از دیگری) پرداخته بودند و ادبیات تطبیقی نیز به مطالعه رابطه ادبیات ملت‌های مختلف با هم می‌پرداخت. از دید کریستوا هر متنی بینامنیت است و حد و مرزی برای بینامنیت قائل نیست.

رولان بارت<sup>۱۷</sup> هرچند مانند کریستوا درباره بینامنیت به نوشтар مستقلی دست نزد؛ اما در بسیاری از نوشه‌ها به بینامنیت پرداخت. بارت در مقاله «از اثر به متن»<sup>۱۸</sup> می‌گوید:

بینامن که تمام متن را فرامی‌گیرد؛ زیرا خود آن متن میان میان یک متن دیگر محسوب می‌شود، نمی‌تواند با خاستگاه متن اشتباه شود. جست‌وجوی «منابع» و «تأثیرات» یک اثر موجب رضایت اسطوره خویشاوندی می‌شود. نقل قول‌هایی که متن را شکل می‌دهند، با وجود اینکه پیش‌تر خوانده شده‌اند، ناشناخته و جدایی ناپذیر هستند، به همین دلیل نقل قول‌هایی بدون گیوه هستند (همان، ۱۰۴).

بارت با تفاوت قائل شدن بین بینامتنیت و نقد سنتی، جست‌وجوی کارآگاهانه متقدان سنتی را که همانند یک مأمور و مفتش در جست‌وجوی روابط یک اثر با آثار دیگر یا یک نویسنده با نویسنده‌گان دیگر هستند، مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌کوشد تا خود را از این روش کندوکاو به دور نگاه دارد. «به همین دلیل بینامتن نزد بارت ویژگی گمگشتگی و پنهانی دارد؛ زیرا در متن توزیع شده و بسیار فراتر از نقل قول‌های مستقیم است که مهم‌ترین عناصر مطالعه در نقد سنتی محسوب می‌شود. بنابراین، امکان جداسازی بینامتنیت از متن وجود ندارد و این پیوستگی و درهم‌رفتگی تا آنجا پیش می‌رود که متن و بینامتن، نزد بارت یک هویت واحد پیدا می‌کنند» (همان، ۱۴۹) و پیش‌متن خلق اثر مورد توجه نیست؛ بلکه پیش‌متن خوانش اثر مهم است. این مسئله نیز با دیگر آراء بارت همچون «مرگ مؤلف» هماهنگی دارد.

نظریه‌پردازان نسل دوم بینامتنیت همچون لوران ژنی<sup>۱۹</sup>، میخایل ریفاتر<sup>۲۰</sup>، ژرار ژنت<sup>۲۱</sup> و هارولد بلوم<sup>۲۲</sup> به کاربردی کردن بینامتنیت پرداختند و در مواردی با نسل بینانگذران این نظریه به اختلاف نظر رسیدند. خلاف نظریات کریستوا و بارت که به جدایی بینامتنیت از نقد سنتی (نقد منابع) باور داشتند، نسل دوم بینامتنیت کوشیدند تا از بینامتنیت به عنوان یک ابزار و شیوه برای روابط بین متن‌ها بهره ببرند و بوظیقای سبک‌شناسانه و روشی برای تحلیل متن ایجاد کنند. نظریه‌پردازان بینامتنی دو نظریه اصلی در رابطه با منابع و مراجع متن‌ها ارائه می‌دهند: نخست گروهی که یک متن را متشکل از متن‌های دیگر می‌دانند و جست‌وجوی منابع آن‌ها را بی‌فایده تلقی می‌کنند؛ گروه دوم آن‌هایی که مصمم هستند تا رد پا و عناصر متن‌های دیگر را در متن نوین بیابند (Genette, 1997: 3). ژنت از دسته دوم است. ژنت متقد و نظریه‌پردار فرانسوی سه کتاب به نام‌های سرمتن و الراح بازنوشتی<sup>۲۳</sup> و پیرامتن دارد. او روابط یک متن با غیر خود را ترامتنیت<sup>۲۴</sup> می‌نامد و بینامتنیت را یکی از پنج قسمت تراامتنتی می‌داند و حوزه آن را محدود می‌کند. درواقع تراامتنتی که ژنت از آن سخن می‌گوید «اصطلاحی است که می‌توان بینامتنیت از دیدگاه ساختاری خواند» (آلن، ۱۳۹۵: ۱۴۳). حوزه مطالعاتی وی از جهان متنی خارج نمی‌شود. پنج گونه رابطه تراامتنتی را می‌توان از هم تفکیک کرد.

۱. ورامتنیت (فرامتنیت)<sup>۲۵</sup>:

هنگامی که یک متن در رابطه‌ای تفسیری با متن دیگر قرار می‌گیرد، ورامتنیت یک متن مفروض را با متن دیگر متحدد می‌کند؛ به گونه‌ای که این متن مفروض بدون اجباری به نقل کردن (بدون فراخواندن) و درواقع گاه حتی بدون نام بردن از آن متن دیگر سخن می‌گوید (همان، ۱۴۹).

تفسیرها و نقدها در متن‌هایی ریشه دارند که آن‌ها را تفسیر یا نقد می‌کنند. در تفاوت این دو گونه فرامتن می‌توان گفت تفسیرها تبیین‌کننده متن‌ها و نقدها ارزیاب آن‌ها هستند. متن‌ها به ساحت خلق تعلق دارند در صورتی که فرامتن‌هایشان به ساحت نقد. بنابراین، رابطه فرامتنی می‌تواند به صورت تشریح، انکار و تأیید متن مصدق داشته باشد.

۲. سرمتنیت<sup>۲۶</sup>: «سرمتن شامل انتظارات ژانری، وجهی، مضمونی و صوری خواننده از متن می‌شود» (همان، ۱۵۰). «این وجه از متن به انتظارات خواننده و دریافت او از متن مربوط می‌شود» (Genette, 1977: 3) و به واحدی بزرگ و فراگیر گفته می‌شود که متن‌های همگون را در خود جای دهد. به همین دلیل می‌توان گفت: رابطه متن با سرمتن «رابطه‌ای تعلقی و گونه‌شناسانه یک متن به گونه خود است» (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۲۸). بر همین اساس، گونه‌های ادبی یا هنری سرمتن هستند؛ زیرا واحدهای بزرگی محسوب می‌شوند که متن‌های زیادی را در بر می‌گیرند. رابطه میان متن‌ها در سرمتنیت رابطه‌ای خویشاوندی است و به واسطه یک واحد بزرگ و مادر به هم پیوند می‌خورند.

- پیرامتنیت<sup>۲۷</sup>: «حفظ دیدگاه‌های مؤلف و در مرحله بعد دیدگاه ناشر آیین و ایدئولوژی خودجوشانه پیرامتن است» (Genette, 2009: 5). پیرامتن‌ها

عناصری هستند که در آستانه متن قرار گرفته و دریافت یک متن از سوی خواننده‌گان را جهت‌دهی و کنترل می‌کنند. این آستانه شامل یک درون‌متن است که عناصری چون عناوین اصلی، عناوین فصل‌ها، درآمدها و پی‌نوشت‌ها را دربر می‌گیرد. نیز یک برومنتن که عناصر بیرون از متن مورد نظر نظیر مصاحبه‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی، نقد و نظرهای معتقدان و جوابیه‌های خطاب به آنان و نامه‌های خصوصی و دیگر به موضوعات مربوط به مؤلف یا مدون‌کننده اثر را در بر می‌گیرند (آلن، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

از دیگر پیرامتن‌های درون متن می‌توان به متن (اثر)، نام مؤلف، نام ناشر، طرح روی جلد، پیشکش‌نامه و مقدمه اشاره کرد. پیرامتن‌ها پیوسته مستقل نیستند و به متن اصلی وابسته‌اند و نقش ورودی به متن اصلی را دارند؛ اما پیرامتن‌های بیرون‌متنی به پیرامتن‌هایی گفته می‌شود که از متن اصلی جدا هستند. کارکردهای آن‌ها همانا ایجاد میل و کشش به‌سوی متن اصلی است. اخبار، مصاحبه‌ها، پوسترها تبلیغاتی، تیزر و رونمایی‌ها نمونه‌هایی از پیرامتن‌های ناپیوسته هستند که به کارکرد تبلیغی متن می‌پردازنند.

۳. بینامتنیت: «حضور هم‌زمان دو متن یا چندین متن ... و حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر» (Genette, 1977: 1-2) بینامتنیت نامیده می‌شود و «هنگامی شکل می‌گیرد که دو متن داری عنصر یا عناصری واحد باشند» (نامور مطلق، ۱۳۹۱: ۵۸-۵۹). در یک متن مشخص و ثابت چندین متن دیگر می‌تواند قرار بگیرد. رابطه میان متن نخست و متن تازه به گونه‌ای است که اگر متن نخست نبود، متن دوم بدون عناصر به عاریت گرفته‌شده خلق می‌شد. بینامتنیت دست‌کم چهار زیرگونه دارد که عبارت‌اند از: نقل قول، ارجاع، سرقت و تلمیح. بینامتن‌ها را به سه دستهٔ صریح و غیرصریح و ضمنی می‌توان تقسیم کرد. بینامتن‌های صریح آن‌هایی هستند که مؤلف به صراحت و گاهی با مرجع به متن پیشین ارجاع داده است؛ ولی در بینامتن‌های غیرصریح مؤلف به دلایلی از متن پیشین یادی نکرده است و اگر دقت نشود نمی‌توان عنصر مشترک را شناسایی کرد. هر یک از این گونه‌ها با شاخص‌ها و ویژگی‌هایی از هم متمایز می‌شوند: نقل قول و ارجاع صریح و آشکار هستند در صورتی که تلمیح و سرقت ضمنی و پنهان هستند. ارجاع به پیرامتن اشاره دارد در صورتی که نقل قول به خود متن، علت زیباشناختی تلمیح زیباشناختی و لی دلیل سرقت پنهان کاری است (همان، ۶۷).

۴. زیرمتنیت (بیش‌متنیت)<sup>۲۸</sup>: هرگاه رابطه دو متن بر اساس برگرفتگی «یعنی متنی برگرفته از یک متن پیش‌موجود دیگر [باشد]» (آن، ۱۳۹۵: ۱۰۵) بیش‌متنیت شکل می‌گیرد. «در بینامتنیت اگر متن نخست نباشد متن دوم شکل می‌گیرد. در صورتی که رابطه بیش‌متنی رابطه‌ای وجودشناسانه است؛ یعنی اگر متن نخست نباشد متن دوم نیز شکل نخواهد گرفت» (نامور مطلق، ۱۳۹۱: ۲۹)؛ برای مثال رابطه میان متن اصلی و متن ترجمه رابطه‌ای بیش‌متنی است، چنان‌که اگر متن اصلی نبود متن ترجمه نمی‌توانست

شکل بگیرد؛ اما در ک ترجمه نیازی به حضور متن بیشتر ندارد. در این گونه، متنی که از آن استفاده می‌شود زیرمتن<sup>۲۹</sup> و متنی که نوشته می‌شود زبرمتن<sup>۳۰</sup> نامیده می‌شود. «آنچه ژنت از آن به عنوان زیرمتن یاد می‌کند همان چیزی است که دیگر متقدان آن را بینامتن می‌نامند» (آلن، ۱۳۹۵: ۱۵۶). بیشترین مهم‌ترین شکل تکثیر متنی است که به بینامتن ژنتی نزدیک است و به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: تقليدي<sup>۳۱</sup> (همان‌گوئی) و تغييري<sup>۳۲</sup> (دگرگوئی). هر یک از این دو دسته، سه زیرشاخه نيز دارند که زیرشاخه‌های دسته تقليدي عبارت‌اند از: پاستيش<sup>۳۳</sup> (استقبال)، تقلييدآگاهانه، شارت<sup>۳۴</sup> (کاريکاتور)، فورژري<sup>۳۵</sup>. زيرشاخه‌های دسته تغييري نيز عبارت-اند از: پارودي<sup>۳۶</sup> (نقىضه)، دگرپوشى و جايگشت. البته در تقلييد هم قطعاً تغيير هست و از اين رو دگرگونی و تغييراتی که زبرمتن در زبرمتن انجام می‌دهد، تقسيم می‌شود به:

الف: تغييرات افزایشي، مثل شرح و تفضيل، بسط و گسترش.

ب: تغييرات کاهشي، مثل تلخيص، تقليل، حذف و برش.

ج: تغييرات جابه‌جايی، مثل ترجمه، تبديل کردن شعر به نثر و بلعكس، تغيير وزن، سبك، مكان، شكل و غيره.

#### ۴. بررسی ترامتنیت ژنت در بن‌مایه و شیوه قصه‌گویی هزارویک‌روز

##### ۴-۱. پيرامتن قصه‌های هزارویک‌روز

##### ۴-۱-۱. پيرامتن‌های درون‌متنی

پيرامتن‌های درون‌متنی عبارت‌اند از: عناوین داستان‌ها، روزانه‌ها و تقسيم آن‌ها و پيش‌درآمد‌های چون آورده‌اند، يا نقل کرده‌اند و بخش پایانی قصه‌ها ... . در داستان‌های هزارویک‌روز عناوین قصه‌ها و روزانه‌ها تا ۱۰۰۱ پيش می‌رود.

##### ۴-۱-۲. پيرامتن‌های برون‌متن

اينکه از برون‌متن قصه‌ها چه تبلیغی برای اين قصه‌ها می‌شده است اطلاعاتی وجود ندارد؛ اما برون‌متن‌هایی در خود اين مجموعه داستان وجود دارند؛ مثلاً نقد و بررسی

داستان‌ها توسط مخاطبان درون داستان (فرخناز و دوستان شنونده‌اش) و تبلیغ و ترغیب دایه برای داستان‌گویی مانند انتهای قصه‌های «رضوان‌شاه» و «شاهرزاده‌خانم شهرستانی»، «کولوف و دل‌آرای خوش‌سیما»، «شاهزاده خلف و توران‌دخت ملکه چین» و انتهای قصه‌های «بدرالدین لولو».

#### ۴-۲. ورامتن قصه‌های هزارویک روز

از ورامتن‌های هزارویک روز در زبان مبدأ چیزی در دسترس ما نیست، نه متن انتقادی نه تفسیری که این کتاب چگونه نوشته شده است یا چه کارکردی درون این کتاب هست؛ اما در مقدمهٔ دلاکروا بر کتاب فرانسوی می‌بینیم که نقدی‌ای بـ کتاب اصلی هم بوده است؛ از جمله مباحث بینامتنی و اخذ داستان‌ها و شباهت آن با کتاب‌های دیگر.

#### ۴-۳. سرمتن قصه‌های هزارویک روز

بن‌مایه‌های<sup>۳۷</sup> قصه‌های ایرانی مخزنی از عناصر اولیه ساخت قصه‌ها در دست قصه‌گویان بوده‌اند و در سنت قصه‌گویی فارسی با به‌حاطر سپردن بن‌مایه‌ها، قصه می‌گفته‌اند و یا به ذهن می‌سپرده‌اند و ساخت هر قصه نسبت به قصه عامیانه پیشین، حاصل ترکیب و چینش جدیدی از این بن‌مایه‌هast و از متنی به متن دیگر انتقال‌پذیرند. این امر یعنی برای تمام قصه‌ها بر اساس روابط بینامتنی در مرحلهٔ تولید یک سرمتن وجود داشته است. سرمتن در تعاریف ژنت واحدی بزرگ و فراگیر است که متن‌های همگون را در خود جای دهد و رابطهٔ متن با سرمتن رابطه‌ای تعلقی و گونه‌شناسانه است. سرمتن قصه‌های هزارویک روز قصه‌های تودرتو است که گونه‌ فراگیر از قصه‌های عامیانه ایرانی است. سرمتن دیگر، قصه‌های عاشقانه است؛ زیرا «وفاداری مردان تا دستیابی به معشوق» بن‌مایه اصلی داستان‌های این کتاب است.

#### ۴-۴. بررسی بینامتنیت و بیش‌متنیت در قصه‌های هزارویک روز

ساختار داستان‌نویسی هزارویک روز تودرتو یا لایه‌لایه است. در لایهٔ اول، حکایت فرخناز، دختر شاه کشمیر (روایتِ اصلی) قرار دارد. با ورود جرمه‌بخش قصه‌گو در لایه دوم، شیش داستان بلند روایت می‌شود. در لایهٔ سوم این روایت‌ها به ۵۰ روایت داستانی

تقسیم می‌شوند که در لایه چهارم و پنجم نیز روایت‌های مستقلی به آن‌ها افزوده می‌شود و جمماً ۷۲ روایت کوتاه را شکل می‌دهند که به صورت کلاسیک ۱۸ داستان است.

ترجمه از صنایع بدیعی چون سجع، جناس، مبالغه و ارسال‌المثل، و صور خیال همچون تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بهره برده است. استشهاد به آیات و احادیث و نیز اقتباس (حل و درج) نیز در نثر ترجمه بهوفور یافت می‌شود که بیانگر بینامتنیت (در ارجاع و تلمیح) و بیش‌متنیت است. نثر فارسی ترجمه‌شده هزارویک‌روز با بهره‌گیری از شیوه‌های بلاغت فارسی (با وجود ایرادهای در این ترجمه چون ضعف تألف و ایرادهای املایی و انشایی) نثری قابل قبول است که از کج فهمی‌های زبانی به دور است و به گونه‌ای است که برای مخاطب امروز، کتاب هیچ رنگ و بوی ترجمه ندارد.

در پژوهش حاضر برخی از ارجاعات متنی بر اساس فصل‌بندی کتاب‌ها ارائه شده است (مثلًاً ارجاع به شبانه‌های هزارویک‌شب به جای ارائه صفحه از این کتاب) تا یافتن ارجاعات متنی از نسخه‌های چاپی مختلف ساده‌تر شود.

#### ۴-۱. فرختاز شاهزاده کشمیر و جر عه‌بخش قصه‌گو (قصه بنیادین)

این قصه با قصه بنیادین «شهرزاد و شهریار» در هزارویک‌شب رابطه بینامتنی دارد. در قصه بنیادین هزارویک‌شب، شهرزاد داستان می‌گوید تا جان خویش را برهاند و رأی پادشاه را تغییر دهد و بیماری او را درمان کند و در هزارویک‌روز جر عه‌بخش داستان می‌گوید تا رأی شاهدخت را در مورد ازدواج تغییر دهد و بیماری او را درمان کند. نیز در دیگر قصه‌های تودرتوی ایرانی چون چهل طوطی که طوطی برای رفع فساد خاتون قصه می‌گوید.

این قصه با «قصه تاج‌الملوک و سیده دنیا» در هزارویک‌شب (شب ۱۲۸ تا ۱۳۸) در پلات داستان (ایجاد تعلیق داستانی، گسترش و حل) و در بن‌مایه داستانی «خواب دیدن و امتناع از ازدواج» رابطه بیش‌متنی دارد. در قصه هزارویک‌شب عنصری که در خواب دیده شده است کبوتر است و دایه پیر داستان نمی‌گوید؛ بلکه با ارائه گزارش خواب دختر به تاج‌الملوک عاشق، و همکاری با تاج‌الملوک در پیشبرد داستان همراه می‌شود.

متن زیرین قصه از بن‌ماهیه‌های بینامتنی «عاشق شدن به وسیله خواب»، «بیماری عاشقانه»، «در جست‌وجوی معشوق بودن»، «تغییر لباس»، «جادوگری»، «وصال پس از سختی» و «رسیدن به پادشاهی» بهره می‌برد. این قصه با بن‌ماهیه «خواب دیدن درباره ازدواج» با داستان «بغفور و وزیر دانا و ملکه روم و طاووس و ماده طاووس و آهو و ماده آهو» در شب چهلم طوطی‌نامه نیز رابطه بیش‌متنیت دارد. در داستان مذکور نیز، ملکه روم از ازدواج سر می‌زند و پیشبرد هر دو داستان و باز شدن گره‌های داستانی به‌واسطه روبه‌رو شدن دو شخصیت داستانی و تعریف خواب‌هاست. در همسانی بن‌ماهیه «عاشق شدن به وسیله خواب دیدن» - که این بن‌ماهیه داستانی در بسیاری از داستان‌های عاشقانه تکرار می‌شود - با حکایت «ملک شهرمان و قمرالزمان» (شب ۱۶۹ تا ۲۱۶) از هزارویک شب ارتباط دارد.

این داستان به صورت خلاصه در باب پنجم جامع‌الحكایات نسخه گنج‌بخش روایت می‌شود. هر چند جامع‌الحكایات نسخه گنج‌بخش چند دهه پس از ترجمه فرانسوی هزارویک روز نوشته شده است؛ اما از آنجا که هر دو داستان ذکر شده با سنت داستانی پیش از خود مرتبط هستند، احتمال بیش‌متنیت به صورت مستقیم بسیار کم است و علت این شباهت به‌واسطه آن است که هزارویک روز و جامع‌الحكایات آبشخوری همسان داشته‌اند. اما از نظر بینامتنیت در روایت گنج‌بخش، «فرخ‌روز»، قهرمان و شخصیت اصلی ماجراست و «سیمرغ وزیر» با اینکه در داستان هست؛ اما در راستای اهداف داستانی نقش برجسته‌ای ندارد.

#### ۲-۴-۴. ابوالقاسم بصری

داستان ابوالقاسم بصری در مضمون و بن‌ماهیه «از فقر تا توانمندی و گشايش غم‌ها» مانند حکایت‌های بسیاری در ادبیات عامیانه چون حکایت ۱۰ و حکایت ۴۸ از باب هفتم فرج بعد از شدت، حکایت ۲۴ جامع‌الحكایات نسخه آستان قدس است و نیز با حکایت «چون بازرگانی که به فقر افتاد تا گشايش شامل حال او شد» از باب هشتم جامع‌الحكایات نسخه گنج‌بخش همسان است.

بن‌ماهیه «مرگ‌های ساختگی» نیز در داستان «عطاء‌الملک وزیر غمگین و

شاهزاده خانم زلیخا» و «رب سیماب» از همین کتاب تکرار می‌شود. قسمت‌های تو در توی این داستان با برخی قصه‌های هزارویک شب که هارون‌الرشید در آن‌ها نقش دارد رابطه سرمنتیت دارد؛ مانند قصه «ابو محمد تبل» که راز ثروت بادآورده‌اش را به هارون می‌نمایاند و نیز با قصه نعمان در چهار درویش که او نیز ماجراهی بسیار ثروتمند بودنش را برای خلیفه تعریف می‌کند، همسان است. حسادت سلطان از تعریف و تمجید رعایا و یا ثروت آنان و یا پوشیدن لباس مبدل توسط سلطان برای جست‌وجوی اوضاع و احوال رعایا از بن‌مایه‌های مشترک قصه‌های ادبیات عامیانه است که در متون تاریخی نیز هست. در بن‌مایه «نواختن موسیقی و وجود کنیز کان موسیقی‌دان» می‌توان به حکایت اسحاق موصلى (شب ۲۷۸ تا ۲۸۸) و حکایت مطابقت خواب (شب ۳۵۷) از هزارویک شب اشاره کرد.

این قصه با همین عنوان در باب اول جامع الحکایات با روایتی خلاصه‌تر در نسخه گنج‌بخش آمده و قصه‌های فرعی آن کمتر است. داستان تا پیش از گرفتار شدن ابوالقاسم بصری همسان است. اما در نسخه گنج‌بخش نجات ابوالقاسم بصری به عهده دزدان است.

#### ۴-۳-۴. رضوان‌شاه و شاهزاده خانم شهرستانی

در قصه اصلی، این حکایت با حکایت «رضوان‌شاه و پری و چشمۀ آهو» از جامع الحکایات - که تاریخ تحریر آن ۱۰۲۵ قمری است (صفا، ۱۳۷۰: ۵ / ۳) - همسان است و در باب چهارم جامع الحکایات نسخه گنج‌بخش به گونه‌ای خلاصه‌تر این داستان آمده است. نیز به یک داستان دیگر ایرانی با عنوان «از دست دادن زن که از پریان است» اشاره دارد که به گونه کد A۸۳۲ فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۱۵۷) آمده است.

در قصه اول، «حکایت شاه جوان تبت و شاهزاده خانم نعمان»، و قصه سوم، «حکایت مقبل و دلنواز»، درون‌مایه «تبدیل شدن انسان به انسان دیگر و یا به شیء یا جاندار دیگر به وسیله سحر و مکر و جادوی جادوگران» مطرح می‌شود که در قصه‌های عامیانه همسان‌های بسیار دارد. این بخش از قصه با داستان شب هفدهم طوطی‌نامه

(داستان منصور تاجر و مسافرت او و آمدن شخصی در خانه به هیئت او و رسوا شدن آن مرد) در استفاده از بن‌مايه‌های مشترک، اشتراک دارد؛ یعنی هر دو متن از متن پیشین یا همان متن بن‌مايه برگرفته شده‌اند و از این رو، با بن‌مايه‌ها رابطه بیش‌متینت دارند و خود این داستان‌ها زبرمتن‌اند. در قصه «رضوان‌شاه و شاهزاده‌خانم شهرستانی»، «ترک حکومت و رفتن به سرزمین معشوق» و «جنگ به کمک پریان» بن‌مايه‌هایی وجود دارد که در بسیاری از داستان‌های عامیانه فارسی چون «بهرام و گلندام» امین‌الدین محمد سبزواری در قرن نهم تکرار شده است.

#### ۴-۴-۴. خاورشاه وزیر

این داستان با بن‌ماية «ترس پادشاه از وزیران دانا و پیشگویی وزیران دانا» با داستان‌های وزیران ایرانی چون بودرجمهر حکیم و یا داستان حکیم رویان در هزارویک شب رابطه بین‌متینت دارد.

#### ۴-۴-۵. کولوف و دلآرای خوش‌سیما

این قصه با قصه «داستان پسر خشت زن و دختر تاجر» در بهار دانش (کتبه لاهوری، ۱۳۹۲: ۲۹۷) همچنین با «ماجرای محلل شدن علاء‌الدین» در هزارویک شب (شب ۲۵۷ تا ۲۵۹) و قصه «شاپور خشت مال با عالم دانشمند و دختر تاجر» از باب ۲۱ جامع‌الحكایات نسخه گنج‌بخش رابطه بیش‌متینت دارد. در انتقال، این داستان از زیرمتن فرضی و در مقایسه، این داستان در هزارویک روز با افزودنی‌های بسیار و شرح و تفسیر و تعلیق‌های مناسب به نسبت متون دیگر، باز روایت شده است. بن‌ماية «از فقر تا توانمندی» در کتاب هزارویک روز در قصه «ابوالقاسم بصری»، و «عطاء‌الملک وزیر غمگین و شاهزاده‌خانم زلیخا»، و «عذرای خوشگل» نیز تکرار شده است. از این رو، این بن‌مايه‌ها در قصه «کولوف» به نسبت کتاب هزارویک روز ارجاع روابط بین‌متینی درون کتاب دارند و به نسبت وجود این بن‌مايه‌ها در قصه‌های باب پنجم و هفتم و هشتم فرج بعد از شدت و نیز در هزارویک شب رابطه بیش‌متینی دارند. موضوع محلل شدن (حلال شدن طلاق) نیز در همین کتاب مجددًا در داستان «ابوالفووارس» تکرار شده

است. مضمون «بی‌فرزندی پادشاه پیر» بن‌مایهٔ تکراری بسیاری از داستان‌های عame ایرانی است؛ از جمله در شروع قصه «افسانه گل‌ریز» نوشتهٔ نخشی در قرن هشتم، متولد شدن «سلامان» در سلامان و ابسال اثر جامی در قرن نهم و «بهرام» در بهرام و گلندام امین‌الدین محمد سبزواری در قرن نهم آمده است. «ورود حاکم و حل مشکل توسط آن شخصیت» از بن‌مایه‌های بسیاری از قصه‌های ایرانی است که مانند بخش انتهای سفر سندباد در هزارویک شب با حضور هارون‌الرشید همراه است. این بن‌مایه در قصه‌های فرج بعد از شدت باب سوم و چهارم تکرار شده است.

#### ۴-۶. شاهزاده خلف و توران‌دخت ملکه چین

بخش اول داستان، روایت جنگ و گریزهای ایالت‌های کوچک شمال شرقی ایران، با متون تاریخ قرن هفتم چون تاریخ جهانگشای جوینی و ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی در قرن نهم روابط بیش‌منتهی دارد. در قسمت چهارم قصه (قصه توران‌دخت)، هرمان اته در بررسی نشر ایرانی از دو نسخهٔ کوتاه خطی نام می‌برد که این داستان روابط بیش‌منتهی با این داستان‌ها دارد: «شاهزاده دختر فغفور چین که پرسش‌هایی از عاشقان خود می‌کند» و دیگری قصه «شاهزاده خانم روم و شاه عبدالعلی دانشمند». این شاهزاده هم با عاشقان خود همان معامله‌ای را می‌کند که دختر فغفور می‌کند (اته، ۱۳۵۶: ۲۲۲) و با قصه «ملکزاده و دختر فغفور» از باب ۱۸ جامع الحکایات نسخهٔ گنج‌بخش و حکایت «ملکزاده و دختر فغفور» از جزء اول از قسمت سوم جامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی همسانی دارد و همچنین با قصه «گنبد چهارم یا بانوی حصاری» از هفت گنبد نظامی هم‌ریشه است. و نیز با حکایت «دختری که به خواستگاری جواب آری می‌داد که در میدان جنگ بر او پیروز شود» (شب ۵۹۸ از هزارویک شب) مطابقت دارد. و این داستان با داستان بنیادین کتاب (فرخناز شاهزاده کشمیر و جرمه‌بخش قصه‌گو) و نیز با موضوع «انجام دادن وظایف مشکل برای رسیدن به وصال دختر شاه» کد ۷۲۵ فهرست آرنه – تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۱۴۸) هم‌ریشه است و رابطهٔ بین‌منتهی دارد. همچنین، این داستان می‌تواند با متنی که مارکوپولو در سفر خود با عنوان «ماهتابان و دختر شاه قائد» آورده است، مقایسه شود. در بن‌مایهٔ «عاشق شدن به واسطهٔ تصویر معشوقه» که در

بسیاری از داستان‌های ایرانی تکرار شده است؛ از جمله عاشق شدن امیر ارسلان با دیدن تصویر فرخ لقای فرنگی و دلباخته او شدن در داستان «امیر ارسلان رومی» و یا بر عکس آن، «عاشق شدن آفتاب خانم شاهزاده رومی با دیدن تصویر فلک‌نماز شاهزاده مصری» در داستان «فلک‌نمازنامه». در همین کتاب نیز بن‌مایه عاشق شدن با دیدن تصویر معشوق در قصه «سیف‌الملوک» وجود دارد. شاهزاده سیف‌الملوک با دیدن تصویری از شاهدخت بدیع‌الجمال، دختر شهبال، عاشق او می‌شود. در بهار دانش (قصه جهاندار و عاشق شدن او) جهاندار با توجه به توصیفی که طوطی از بهره‌ور بانو می‌کند، عاشق بهره‌ور بانو می‌شود (توصیف صورت نه دیدن تصویر). در حکایت ملک شهرمان و قمرالزمان (شب ۱۶۹ تا ۲۱۶) از هزارویک شب آگاهی عاشق و معشوق از یکدیگر و ارتباطشان به واسطه خواب اتفاق می‌افتد.

#### ۴-۷-۴. قصه فضل‌الله ارتق

داستان فضل‌الله موصلی و آنچه بر سر او آمده بود در باب دوم جامع‌الحكایات نسخه گنج‌بخش به گونه‌ای خلاصه‌تر آمده است. این قصه به چند قسم تقسیم می‌شود: رسیدن به فقر و نداری شاهزاده ارتق و درگیر دزدان شدن، و از عاشق شدن تا همراهی با دزدان، رسیدن به معشوق، تلافی کردن معشوق از قاضی و فضل ارتق و درویش. در بخش اول روابط بین‌امتنی بسیاری با داستان‌هایی با بن‌مایه «از دارایی تا فقر» دارد و در قسمت دوم که بخش اعظم این داستان است بن‌مایه‌های «مکر زنان» و «قاضی نادان» وجود دارد و این بخش از سرمنتیت قصه‌های طنز، پیروی می‌کند. در بخش سوم داستان، در شیوه استفاده از بن‌مایه‌های «استفاده از طلس» و «جایه‌جایی روح در آهو و طوطی» با داستان‌های شب چهل ششم طوطی‌نامه (داستان رأی اجین و قعریه دختر رام ثانی ...) و داستان گم کردن جهاندار سبیل منهال دولت بهار دانش (کتبه لاهوری، ۱۳۹۲: ۴۲۶) همسان است. «تبديل انسان به حیوانات» بیش‌متن این قصه است. در «افسانه گل‌ریز» این بن‌مایه «تبديل شدن نوش‌لب به پرنده‌ای کوچک» آمده است. نوش‌لب پس از پرنده شدن به گریه و زاری برای دوری از معشوق می‌پردازد. این بن‌مایه که به جهان ناممکن می‌پردازد داستان را به سرمنت قصه پریان وارد می‌کند.

#### ۴-۴-۸. عطاءالملک وزیر غمگین و شاهزاده خانم زلیخا

شروع این قصه مانند قصه «کولوف» به داستان‌های فرج بعد از شدت شبیه است. این قصه با حکایت زین‌الاصنام پسر ملک بصره باب ۸ جامع‌الحكایات نسخه گنج‌بخش رابطه متنی از نوع سرمنتیت با بن‌مایه «گشايش پس از غم» دارد و با گونه کد ۸۸۵B فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۱۶۹) همسان است. در موضوع قصه، به قصه عاشقانه «حسن بصری» و «نورالدین و زمرد» در هزارویکشب نزدیک می‌شود. در بخش انتهایی داستان موضوع گفتن قصه زندگی توسط خود قهرمان برای نجات جان و تأخیر مرگ و امید به تغییر، وجود دارد که با بخش زیادی از هزارویکشب که در آن قهرمانان برای نجات جان خود داستان زندگی خویش را تعریف می‌کنند، همانند است؛ برای نمونه حکایت «بازرگان و عفریت»، «پیر و غزال»، «پیر و سگش»، «پیر و استر» و «حکایت صیاد» (شب اول تا چهارم).

#### ۴-۴-۹. سيف الملوك

این داستان با متن «در حکایت پادشاهی که در تلاش مرد بی‌غم سعی می‌کرد» از جامع‌الحكایات - که تاریخ تحریر آن ۱۰۲۵ قمری است (صفا، ۱۳۷۰: ۱۵۰۲) - همسانی ساختاری دارد و با قصه «پرسیدن آن پادشاه از وزیر خود که در عالم...» از باب ۱۱ جامع‌الحكایات نسخه گنج‌بخش و دهها داستان شفاهی ثبت‌شده دیگر در موضوع داستانی همسانی و یکسانی دارد. اما این رابطه از نوع بیش‌منتیت و برگرفته از بن‌مایه داستان‌های قصه ایرانی است.

شکستن کشتی یا عدم همراهی باد و در جزیره یا سرزمینی ناشناخته قرار گرفتن، نیز شروع و گسترش تعلیق داستانی است که در داستان‌های سفر با محور «شگفتی» تکرار می‌شود. بن‌مایه «در دام عفریت و دیو افتادن» نیز به کرات در غالب داستان‌های عامیانه با همین کیفیت که در این داستان هست تکرار شده است که رابطه بیش‌منتی دارد. بن‌مایه «جادو با انگشت‌یار شیء سحرآمیز» و بن‌مایه «عاشق شدن به وسیله دیدن تصویر» که پیش از این در داستان‌های قبل مطرح شد از بن‌مایه‌های مشهور در ادبیات عامیانه فارسی هستند. بن‌مایه شکستن کشتی در هزارویکشب نیز در داستان

قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزارویک روز... عالیه یوسف‌فام و همکاران

«سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال» (شب ۷۵۸ تا ۷۷۸) آمده است. البته به نقل از اته: ۱۳۵۶) ۲۲ داستان سیف‌الملوک به شکل نسخه‌های کوتاه نیز موجود است که برخی از آن‌ها با این داستان مطرح شده در هزارویک روز متفاوت‌اند و از نظر زمان نیز برخی از نسخه‌ها بعد از هزارویک روز و هزارویک شب متشر شده‌اند که هر دو داستان در هزارویک شب و هزارویک روز از گونه رابطه بینامتنی نقل قول (نقل قول یک داستان در ساختار کلی مجموعه داستان) است.

#### ۴-۱۰. ملک و شاهزاده خانم شیرین

بن‌مایه‌های «سفر»، «استفاده از اشیاء جادویی»، «طمع کردن»، «از دست دادن دارایی» و «نیرنگ و فریب» در این داستان استفاده شده است. این داستان با قصه «جولاوه و دختر پادشاه عمان» از باب ۱۳ جامع الحکایات نسخه گنج‌بخش همسانی و یکسانی دارد و در بخشی از روایت و همسانی وسیله پرواز، با داستان «ملک‌زاده و نجات مهربانو به وسیله تخت چوبین پرواز کننده» (کتبه لاهوری، ۱۳۹۲: ۲۵۲) یکسان است. البته استفاده از عناصر جادو در داستان‌هایی چون حسن بصری و نورالنساء هزارویک شب هم وجود دارد که پرواز با خمرة جادوست (شب ۷۹۰ تا ۸۳۰) که برگرفته از بن‌مایه‌های قصه عامیانه فارسی و رابطه بیش‌منیت همراه با افزودگی و تغییر در ارکان روایت همراه است.

#### ۴-۱۱. سه قلندر

داستان سه قلندر درواقع با داستان‌های عامیانه بسیاری همسانی دارد که درویش‌ها برای مهمانان قصه می‌گویند و یادآور «چهار درویش امیر» و حکایت «افشارخان و سه درویش» است.

#### ۴-۱۲. هرمز پادشاه بی‌غم

«هرمز پادشاه بی‌غم» درواقع داستان فرعی از داستان اصلی «سرگذشت بدرالدین لولو» است که پس از شنیدن سرگذشت اطرافیان و نیافتن فرد بی‌غم به سفر می‌رود و در مسیر، در اولین برخورد، سرگذشت سه قلندر را می‌شنود و ناامید به کاروان سرا

برمی‌گردد. سپس در گوشه‌ای از کاروان‌سرا با پادشاهی به نام هرمز، «پادشاه بی‌غم» آشنا می‌شود. بخش اول این داستان درواقع تداعی‌کننده و کامل‌کننده سه متن داستانی قبل بود که عطاء‌الملوک و سیف‌الملوک و ملک هر سه داستان‌شان را قلندروار ارائه داده بودند. مجموعه داستان «بدرالدین لولو»، داستانی از هزارویک‌روز است که خود از سرمنتیت داستان تو در تو پیروی می‌کند و در دل آن داستان، داستان هرمز پادشاه بی‌غم نیز می‌آید که آن نیز به صورت چندلایه تعریف می‌شود و از این نظر شبیه داستان‌های هزارویک‌شب (شب ۱ تا ۴) است؛ از جمله «شیخ خاموش و برادرانش» (شب ۳۰ تا ۳۳) و حکایت «بازگان و عفریت»، «پیر و غزال»، «پیر و سگش»، «پیر و استر» و «حکایت صیاد». داستان «هرمز پادشاه بی‌غم» در بن‌مایه با حکایت «پادشاهی که در جست‌وجوی انسان بی‌غم است» از جامع‌الحكایات - که تاریخ تحریر آن ۱۰۲۵ قمری است (صفا، ۱۳۷۰: ۵ / ۱۵۰۲: ۵) - هم‌ریشه است. و نیز داستان هرمز پادشاه بی‌غم با قصه «پرسیدن آن پادشاه از وزیر خود که در عالم ...» از باب ۱۱ جامع‌الحكایات نسخه گنج‌بخش و ده‌ها داستان شفاهی ثبت‌شده در گونه کد ۱۶۴۵ فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۱۶۹) همسانی دارد.

#### ۱۳-۴-۴. اوسین

قصه «اوسمی» بیش‌منتی از نوع افزوادگی به متن فرضی «زنگی‌نامه بوعلی‌سینا» در متن فرانسوی است؛ هر چند این قصه با زندگی واقعی ابن‌سینا شباهتی ندارد. پل صباغ در مقاله «مقدمه‌ای بر کتاب هزارویک‌روز» از کتاب اسرار حکمت - که روایتی داستانی و باورنکردنی از زندگی ابن‌سیناست - نام می‌برد (صباغ، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

#### ۱۴-۴-۴. عذرای خوشگل

این حکایت با حکایت «رهانیدن حسن به‌واسطه گوهر با کوتوال و قاضی و محتسب و در خم کردن ایشان» از بهار دانش (کتبه لاهوری، ۱۳۹۲: ۴۲۶)، حکایت «جولاہ و درودگر و حیلت درودگر با جولاہ»، «حکایت زن بنّا با وزیران پادشاه کرمان و بم که چه کردند با آن زن بنّا»، «ادب کردن زن بنّا وزیران را» از سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک (صفا،

۱۳۷۰: (۳۵/۱۵۳۵)، داستان شب ششم طرطی نامه (داستان نجار و زرگر و زاهد و حائک و پیکرچوب و مبتلا شدن به آن و صورت تظلم نمودن پیش درخت)، حکایت «زن بازرگان» در هزارویک شب (شب ۵۹۶-۵۹۳) و با حکایت «زن زرگر و ...» از باب ۱۲ جامع الحکایات نسخه گنجبخش همسان است و داستان‌های نامبرده با این داستان، رابطه بینامتنی از گونه نقل قول دارند؛ نقل قول یک داستان در داستان بزرگ‌تر. البته در پیرایش این نقل قول و قصه‌گویی با نقل قول صریح یا ضمنی دیگر سروکار نداریم؛ بلکه با رابطه بیش‌متنی در این داستان سروکار داریم که نسبت به داستان‌های ذکر شده تغییر و افروزدنی بسیار دارد؛ زیرا زمان و مکان قصه و علیت داستان نیز تغییر یافته است.

#### ۱۵-۴. ابوالفوارس سیاح اعظم

این قصه که شامل دو قصه سفر است با «سفرنامه‌های سلیمان تاجر صیرافی» رابطه بیش‌متنی دارد و با قصه «ابوفوارس ملاح و در چاه گذاشته شدن خواجه ...» (حکایت ۳۲ جامع الحکایات همسان است و با حکایت «سفر سندباد» و «سفرنامه‌های سلیمان تاجر صیرافی» و با داستان حکایت اول «سه جوان غربت‌گزین به بدرقه رفاقت هم» از بهار دانش (کتبه لاهوری، ۱۳۹۲: ۳۵۶) و بسیاری از داستان‌های ایرانی دیگر در باب سفر دریانوردی چون قصه «سلیم جوهري با حجاج یوسف» (حکایت ۱۵) از جامع الحکایات نسخه آستان قدس رضوی هم ریشه است و قرابت دارد و نیز با گونه کد ۳۰۱ «سفر به دنیای زیرین» فهرست آرنه - تامپسون (مارزلف، ۱۳۹۳: ۷۵) همسان است. وجود علاقه زیاد به داستان‌های سرنوشت و سفرهای دریایی در سنت قصه‌گویی ایرانی این شگرد را به بن‌مایه قصه‌های عامیانه تبدیل کرده است. از این رو، بیش‌متن مشخصی برای این قصه در نظر گرفته نمی‌شود؛ ولی آنچه در داستان ابوالفوارس معلوم و مشخص است افروزگی و تغییر در این داستان است؛ مثلاً ارتباط با خلفای اسلامی، چنانکه تاریخ قصه به دوران خلیفه دوم اسلامی می‌رسد. حضور اسلام‌گرایی و تحريم ازدواج با غیرهمدین در داستان «علاءالدین الشامات» (شب ۲۶۷) در هزارویک شب نیز آمده است. همچنین جابه‌جایی انسان توسط دیو در هزارویک شب در همین داستان علاءالدین شامات و یا داستان «حکایت عجیب و غریب» (شب ۶۴۲ تا ۶۸۰) آمده

است.

#### ۱۶-۴-۴. دو برادر: عادی و داهی

این حکایت بن‌مایه‌های «نامیرایی»، «ازدواج با جن و پری»، «مکر زنان» و «پاداش خیانت» دارد. با برخی از متن‌های تاریخی - جغرافیایی مانند شگفت‌انگیزی جزیره‌ای که زنان بر آن حکومت می‌کنند و ترجیح پیران بر جوانان، رابطه بینامتنی دارد. در نوع شگفتی و جهان ناممکن حکایت «بازگان و عفریت»، «پیر و غزال»، «پیر و سگش»، «پیر و استر» و حکایت «صیاد» در هزارویک شب (شب اول تا چهارم) را یادآوری می‌کند.

#### ۱۷-۴-۴. سلطان موصل، تاجر بغدادی و زینب خوشگل

این قصه با حکایت «از زبان دختر پاک‌دامن با کامگار» در بهار دانش (کتبه لاهوری، ۱۳۹۲: ۳۸۱) و با بخش میانی «فروش همسر به کنیزی با عاشق» صادق هزارویک شب (شب ۸۹۶ تا ۸۹۰) و با داستان شب چهل و ششم طوطی‌نامه (ماجرای جوان بغدادی که بر کنیزک مطریب عاشق شده بود پس به جوان هاشمی فروخت) رابطه بیش‌متینی دارد؛ اما هر سه داستان زبرمتن‌اند و نه بیش‌من؛ زیرا متن پایه و یا قدمت ساخت متن قصه در هر سه دقیقاً مشخص نیست. «کنجکاوی شخصیت تاریخی»، «تغییر لباس و گمنامی افراد مشهور»، «رسیدن به آرامش بعد از سختی»، «جدال خیر و شر و پیروزی خیر بر شر» و همچنین «فرجام نیک و پاداش نیک» که در این داستان ذکر شده است بن‌مایه قصه‌های ایرانی است که با دیگر متون مشابه روابط بیش‌متینی دارد.

#### ۱۸-۴-۴. رب سیماب

بن‌مایه‌های «جدال خیر و شر» و «رسیدن به خوشی بعد از سختی» از بیش‌من‌اند. «سفر دریایی» و «غرق شدن کشتی» نیز بن‌مایه‌های داستانی آشنا در ادبیات عامیانه فارسی هستند که در این متن از زیرمتن‌های تاریخی - جغرافیایی ایرانی برداشته شده‌اند. بن‌مایه «عدم تمایل به ازدواج در دختران جوان» در این قصه نیز مانند توران‌دخت در قصه «شاهزاده خلف و توران‌دخت ملکه چین» و قصه بنیادین این داستان‌های تو در تو تکرار می‌شود. در نوع روابط متنی با داستان شب پنجه‌ها و یکم از طوطی‌نامه (داستان

«بهرام شاه و دو وزیر او خاصه و خلاصه و به انصاف رسیدن دختر خاصه و هجوم بلیات و خلاص او از برکت و پاکی خویش») رابطه بیش‌منیت دارد؛ ولی بدون داستان بیش‌منی قطعی هر دو متن نامبرده زبرمتن هستند. دقیقاً این داستان به صورت خلاصه‌تر در شب ۴۶۲ هزارویک‌شب آمده است که قصه «رب سیماب» و قصه هزارویک‌شب هر دو رابطه زبرمتنی از یک بیش‌منی دارند و از طرفی چون در داستانی طولانی‌تر نقل قول می‌شوند از نوع رابطه بینامتنی نقل قول‌اند.

## ۵. نتیجه

تألیف، ترجمه و بازترجمه هزارویک‌روز فرایندی بینامتنی است. نقش دلاکراوا در ترجمه اولیه (از زبان فارسی به فرانسوی)، پرداخت، نگاهداشت متن و انتقال آن، انکارنشدنی است. نایاب شدن نسخه اصل کتاب و پژوهش‌های بی‌نتیجه درباره شناسایی درویش مخلص در گذر ۳۰۰ ساله چاپ این کتاب به زبان فرانسوی، همواره شک پژوهشگران را به وجود متن اولیه هزارویک‌روز برانگیخته است تا جایی که برخی این کتاب را جعلی و تنها تألیف دلاکراوا بر اساس ترجمه و سرهمندی داستان‌های ایرانی می‌دانند.

پس از بررسی بینامتنی کتاب هزارویک‌روز و شواهد تأثیرگذار بر متن آن نتایجی به دست آمد: شش قصه «رضوان‌شاه و شاهزاده‌خانم شهرستانی»، «کولوف و دل‌آرای خوش‌سیما»، «سیف‌الملوک»، «عذرای خوشگل»، «ابوالفوارس سیاح اعظم» و «رب‌سیماب» در ساختار کلی هزارویک‌روز از گونه رابطه بینامتنی و نقل قول غیرصریح از متن‌های پیش از خود هستند و از زاویه روایت و عناصر داستان رابطه بیش‌منی دارند؛ یعنی نقل قول‌ها با توجه به فرایند قصه‌گویی عامیانه ایرانی، نقش پرداخت و چینش بن‌مایه‌های داستانی و حضور قصه‌گو و قصه‌نویس و مترجم در فرایند ساخت قصه عامیانه به روابط بیش‌منی (افزایش و کاهش و دگرگونی متن) ختم شده‌اند. دوازده قصه دیگر بر اساس سنت قصه‌گویی، پرداخت و چینش و بسط بن‌مایه‌ها رابطه بیش‌منی با متن قصه‌های پیش از خود دارند و هرگز نمی‌توان گفت ریشه و بنیان داستان‌های هزارویک‌روز جعلی، اختراعی، پرداخته خیال و ریخته قلم

دلاکرواست و به هیچ وجه حتی یک قصه از آن به خاستگاهی غیر از قصه‌های عامیانه فارسی و جغرافیای ایران تعلق ندارد. بررسی هزارویک روز از دریچه سه عنصر دیگر بینامتینیت (ترامتینیت) نظریه ژنت یعنی ورامتینیت و سرمتنیت و پیرامتینیت، نشان می‌دهد این کتاب در قصه بنیادین، شیوه روایت تودرتو و چینش قصه‌ها در کنار هم کاملاً از الگوی قصه‌های عامیانه ایرانی بهره می‌برد و فرایندی بینامتینی و محصول جامعه زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی است.

#### پی‌نوشت‌ها

1. François Pétis de la Croix
2. Mille et un Jours
3. Les Mille et une Nuits
4. Antoine Galland
5. Hammer-Purgstall
6. Collin de Plancy
7. Ernest Pol
8. Spaak Paul
9. Sebag Paul
10. Text
11. Intertextuality
12. Ferdinand de saussure
13. Chrles sanders peirece
14. Julia Kristeva
15. Le mot, Le dialogue, Le roman
16. Parodie
17. Roland Barthes
18. De l'oeuvre au Texte
19. Jenny Laurent
20. Michael Riffaterre
21. Gérard Genette
22. Harold Bloom
23. Palimpsestes
24. Transtextualite
25. Metatextualite
26. Arcitextualite
27. Paratextualite
28. Hypertextualite
29. Hypotext
30. Hypertext
31. Imitation
32. Transformation

- 33. Pastiche
- 34. Charge
- 35. Forgerie
- 36. Parodie
- 37. Motifs

#### منابع

- آلن، گراهام (۱۳۹۵). بینامنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.
- اته، هرمان (۱۳۵۶). تاریخ ادبیات فارس. ترجمه رضا شفقی. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تأثیر متن. تهران: مرکز.
- بارت، رولان (۱۳۷۰). عناصر نشانه‌شناسی. ترجمه مجید محمدی. تهران: نشر الهدی.
- ----- (۱۳۸۲). لذت متن. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.
- بی‌نا (۱۳۹۱). جامع‌الحكایات (نسخه کتابخانه گنج‌بخش پاکستان). به کوشش محمد جعفری (قتواتی). تهران: قطره.
- بی‌نا (۱۳۹۳). جامع‌الحكایات (بر اساس نسخه آستان قدس رضوی). به کوشش محمد جعفری (قتواتی). تهران: مازیار.
- تاجر سیرافی، سلیمان (۱۳۸۱). سلسه التواریخ یا اخبار‌الصین و الہند (با گردآوری و اضافات ابوزید حسن سیرافی). ترجمه حسین قرچانلو. تهران: اساطیر.
- تسکین شیرازی (۱۳۸۲). فلک‌نمازname. به کوشش سید علی آل داود. تهران: توسع.
- تنوخی، ابوعلی محسن (۱۳۹۵). فرج بعد از شدت. ترجمه حسین بن احمد دهستانی. به کوشش محمد قاسم‌زاده. تهران: نیلوفر.
- دلاکروا، پتی (۱۲۷۵). *الف النهار*. ترجمه محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمد کریمخان قاجار. تهران: (نسخه چاپ سنگی) مطبوعه مدرسه دارالفنون.
- ----- (۱۳۲۹). *الف النهار*. ترجمه محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمد کریمخان قاجار. تهران: امیرکبیر.
- رستمی گوران، جلال (۱۳۸۹). «معمای حل نشده هزارویک‌روز». جهان هزارویک‌شب. آندره شرل و همکاران. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.
- صباغ، پل (۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر کتاب هزارویک‌روز». جهان هزارویک‌شب. آندره شرل و همکاران. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.

- عوفی، سلیمان الدین محمد (۱۳۵۹). *جواجمع الحکایات و لرامع الروایات*. به کوشش بانو مصafa کریمی. تهران: بنیاد فرهنگ.
- کتبوه لاهوری، عنایت‌الله (۱۳۹۲). بوستان دانش. به کوشش حسن ذوالفقاری و عباس سعیدی. تهران: رشد آوران.
- کوش، سلینا (۱۳۹۶). *اصول مبانی تحلیل متون ادبی*. ترجمه حسین پاینده. تهران: مروارید.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۵). *بینامتنیت: از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم*. تهران: سخن.
- (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.
- (۱۳۸۸). «*بینامتنیت نزد ژرار ژنت*». *مجموعه مقالات همندی‌شی هنر تطبیقی*. فرهنگستان هنر. ش ۱۵. صص ۹۸-۱۱۴.
- (۱۳۸۵). «*پیرامتنیت یا متن‌های ماهواره‌ای*». *مقالات همندی‌شی هنر تطبیقی*. فرهنگستان هنر. ش ۵. صص ۱۹۶-۲۱۲.
- نخشی، ضیاء الدین (۱۳۷۲). *طوطی‌نامه*. تصحیح دکتر فتح‌الله مجتبایی و غلامعلی آریا. تهران: منوچهری.
- مارزلف، اولریش (۱۳۹۳). *طبقه‌بندی داستان‌های ایرانی*. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: سروش.
- محجوب، محمد جعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)*. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشممه.
- میکل، آندره (۱۳۸۲). *مقدمه‌ای بر هزارو یک‌شب*. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.
- Genette, Gérard (1997). *Palimpsests: Literature in the Second Degree*. Trs. Channa Newman & Claude Doubinsky. Foreword by Gerald Prince. Paris: University of Nebraska Press.
- Genette, Gérard (2009). *paratexts thresholds of interpretation.*, Tr. Jane E. Lewin. Foreword by Richard Macksey. Paris, Cambridge.
- Dela Croix, Petis (1919). *les mill et un jours*. Paris: Llbrairie Garmer Freres.

## Persian Tales: investigating the stories of one thousand and one days: An inter textual approach

Aliyeh Yusef Fām<sup>\*1</sup>, Reza Taheri<sup>2</sup>

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature / Islamic Azad University –

Tehran Central Branch.

2. M.A Student in Persian Language and Literature/ Islamic Azad University – Tehran

Central Branch.

Receive: 28/07/2017    Accept: 7/08/2018

### Abstract

According to the approach of intertextuality to the analysis of literature, no text is self-sufficient and each text in its turn would be an inter text to its pre and post texts. In this essay, the authors are going to introduce the collection of labyrinth stories entitled *one thousand and one days*, which based on the claim of Pétis de La Croix, is the French translation of the Persian collection called “*Persian tales*” by Dervish Mokhles. Then, by adopting Gérard Genette inter textual approach, the stories of this collection will be compared with Iranian folk tales. Research methodology is descriptive –analytical. By taking into account the notions such as trans -text , arci- text and para -text , this collection benefits totally from Iranian folk tale either in content , manner of labyrinth narration or tales arrangement and every authorship, translation etc. would obey from Iranian folk tales pattern. There are also six stories in the general structure of the one thousand and one days which are the inter textual types and indirect quotations from their pretexts. They totally share some common features in narration and elements of story with Iranian folk tales as a kind of hypertext. Twelve other narratives, based on the tradition of storytelling, theme, and the arrangement of material have the hyper textual relationship with the text of Persian folk tales, it can never say that the source of these tales are inventive , fake and depend on De La Croix imagination.

**Keywords:** One thousand and one days, Alf Al Nahar, Intertextuality, Trans- textuality

---

\*Corresponding Author's E-mail: daliehyf@yahoo.com

